

## سکه‌های آخرین شاهان ساسانی

عبدالله صفرزایی<sup>۱</sup>



امروزه نقش و اهمیت سکه‌شناسی برای شناخت ابعاد متعدد تاریخی یک دوره بر همگان به ویژه تاریخ‌پژوهان آشکار است. سکه‌های هر دوره نمادی از خط و زبان، سیاست و مذهب، اقتصاد و صنعت، هنر و فرهنگ و آداب و سنن دوران خویش هستند. اطلاعات مندرج در سکه‌ها اگر درست خوانده و تشخیص داده شود، در حکم سند و مدرک رسمی‌ای است که ممکن است تأییدی بر اطلاعات تاریخی یک دوره باشد؛ خلاً تاریخی یک دوره را پر کند یا نظریه‌ای تاریخی را به چالش کشاند. نظر به اینکه سکه‌ها نسبت به دیگر اشیاء مادی آسیب‌پذیری کمتری دارند، ضرورت نیاز به سکه‌ها برای شناخت دوره‌هایی از تاریخ که منابع نوشتاری کمی از آن‌ها باقی مانده است، دوچندان می‌شود. نمونه بارز آن تاریخ اشکانیان و برهه‌هایی از تاریخ ساسانیان، به ویژه حوادث پس از مرگ خسرو پرویز و سرنوشت اقشار متعدد اجتماعی ایران پس از مرگ یزدگرد سوم است. از آنجایی که در سکه‌های اواخر دوره ساسانی سال و مکان ضرب سکه قید شده است، سکه‌های این دوره یکی از بهترین منابع برای پر کردن خلاً تاریخی اواخر دوره ساسانی و سال‌های اولیه حکومت اعراب مسلمان بر ایران است.

### درباره نویسنده

امین امینی از سکه‌شناسان سکه‌های دوره ساسانی است. وی پژوهش‌های متعددی راجع به سکه‌های عصر ساسانی انجام داده است. بیشتر تحقیقات وی مربوط به سکه‌های پایانی دوره ساسانی و ورود اعراب مسلمان به ایران است. مهارت وی در شناخت سکه‌های ساسانی بالاست. چنان‌که سرگئی باز سوویچ دانشکوف روسی، نویسنده کتاب شاهنشاهی ساسانی در خواندن مندرجات برخی سکه‌های آن دوره مدیون راهنمایی‌های وی است. امینی قبل از این کتاب‌هایی درباره سکه‌های دوره ساسانی به چاپ رسانده است که عبارت‌اند از: هر مزد چهارم ۱۲ سال سلطنت ۱۳ سال سکه، سکه‌های ساسانی، تاریخ و سکه در پایان امپراتوری ساسانی و سکه‌های ایران قبل از اسلام. علاوه بر این‌ها، کتابی با عنوان سکه ابو خالد از وی در دست چاپ است.

سکه‌شناسی آخرین شاهان ساسانی: بررسی تاریخی و سکه‌شناختی در اواخر دوره ساسانی و ابتدای ورود عرب نویسنده: امین امینی  
مشخصات نشر: تهران، انتشارات پازینه، چاپ اول، ۱۳۹۲، ۱۹۸ صفحه.

### مروری بر محتوای کتاب

این کتاب بخش‌هایی از کتاب پیشین نویسنده با عنوان تاریخ و سکه در پایان امپراتوری ساسانی است. نویسنده در مقدمه‌ای مختصر درباره اهمیت سکه‌ها و هدف خود از این پژوهش سخن می‌گوید. در فصل اول با عنوان «کلیاتی پیرامون آخرین سکه‌های ساسانی» به گردآوری اطلاعات مربوط به چهل ضربخانه پرداخته است. این ضربخانه‌ها مربوط به سکه‌های آخرین شاهان ساسانی است. این فصل در ۴۲ صفحه تنظیم شده است. در فصل دوم با عنوان «آخرین شاهان ساسانی» به توصیف اجمالی تاریخی و ذکر دقیق و جزئی سکه‌های هر یک از شاهان ساسانی بعد از خسرو پرویز پرداخته شده است. این فصل ۱۲۴ صفحه است. نویسنده در فصل سوم با عنوان «دوران فترت» به توصیف تاریخی مختصری از سقوط ساسانیان پرداخته و پیرامون سکه‌های حکمرانان محلی ایران بعد از سقوط ساسانیان توضیحاتی ارائه نموده است. فصل سوم، ۲۲ صفحه را در بر می‌گیرد. ده صفحه مربوط به فهرست مطالب، پیشگفتار و فهرست منابع است.

نویسنده در فصل اول توضیحاتی درباره درج سال ضرب سکه بر روی سکه‌ها داده است. این تاریخ‌گذاری از سال دوم پادشاهی پرویز (۴۸۴ - ۴۶۹) آغاز شده است (ص ۱۰). پس از آن شرحی مفصل‌تر درباره محل ضرب سکه‌های ساسانی آمده است. درج محل ضرب سکه‌های ساسانی از دوره شاپور دوم (۳۷۹ - ۳۰۹) به طور غیر رسمی آغاز و از زمان بهرام چهارم (۴۹۹ - ۴۸۸) به طور رسمی و همیشگی بر سکه‌ها معمول شد (ص ۱۳). نام ضربخانه‌ها به دلیل کمبود جا به جز مواردی خاص، مانند بلخ، ری، جی و غیره با علائم اختصاری درج شده است. به دلیل مشکلاتی که در خواندن حروف پهلوی وجود دارد و اینکه حروف اول یا علائم اختصاری بعضی از شهرها شبیه به هم است، تعیین دقیق محل ضرب هر سکه بر اساس این علائم کار دشواری است. نویسنده با تطبیق دادن این علائم اختصاری با مهرهای اداری و اشاراتی مختصر به متون تاریخی و جغرافیایی و دقت در تشخیص حروف پهلوی این کار را تا حد توان انجام داده است. چنانچه وی به متون پهلوی نوشتاری اواخر دوره ساسانی و آن دسته از منابع تاریخی که به توصیف مشخصات ظاهری شاهان، مانند البسه، تاج و غیره پرداخته‌اند، توجه بیشتری می‌نمود، در تعیین دقیق‌تر محل ضرب سکه‌ها کمتر دچار مشکل می‌شد. نویسنده در مواردی که به یقین نرسیده احتمالات را مطرح کرده و با قاطعیت نظر نداده، بنابراین اسلوب علمی را رعایت کرده است.

در پایان این فصل نقشه پراکندگی موقعیت مکانی ضربخانه‌های اواخر دوره ساسانی از ۶۲۸ تا ۶۵۲ آمده است. نویسنده در فصل دوم نقشه موقعیت مکانی ضربخانه‌ها را برای دوره هر یک از شاهان به صورت جداگانه آورده است که بسیار مفید می‌نماید، زیرا نه تنها محدوده جغرافیایی حکومت هر یک از شاهان ساسانی آن دوره را مشخص می‌کند، بلکه با ترسیم این نقشه‌ها بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های حکومتی آنان راحت‌تر می‌شود. اهمیت این نقشه‌ها و

طراحی دقیق آن‌ها با تکیه بر مندرجات و محتوای سکه‌ها، زمانی بهتر درک می‌شود که بدانیم منابع تاریخی حتی قادر نیستند، فهرست درست و دقیقی را از شاهان آن دوره ارائه نمایند. نقشه پراکندگی جغرافیایی ضربخانه‌های آخرین شاهان ساسانی به وضوح مشخص می‌کند که مقارن با حمله اعراب مسلمان بسیاری از شهرها و ایالت‌های ساسانی حالت خودمختاری به خود گرفته بودند. آنچه در خصوص جزئیات این نقشه‌ها درخور ستایش است، این است که نویسنده محل ضربخانه‌های احتمالی، قطعی و حتی محل‌های پیشنهادی خودش را به تفکیک تعیین کرده است. البته وی مشخص نکرده که این نقشه‌ها طراحی خودش بوده یا آن‌ها از جایی اقتباس کرده است. گرچه احتمال می‌رود خودش این نقشه‌ها را ترسیم نموده باشد. به هر حال شایسته بود، طراح و ترسیم‌کننده نقشه‌ها را مشخص می‌کرد.

در فصل دوم هریک از شاهان ساسانی بعد از دوران خسرو پرویز، به طور جداگانه بررسی و توصیف شده‌اند. نویسنده ابتدا به مختصری از رویدادهای تاریخی هر یک از شاهان اشاره داشته، آنگاه به توصیف دقیق و جزئی سکه‌های مربوط به آن شاه پرداخته است. پس از آن، تعداد سال‌های ضرب سکه آن شاه را بیان کرده و تعداد ضربخانه‌های فعال در دوره هر شاه را در جدولی برشمرده و تصاویری از سکه‌های آن شاه را در هر یک از این ضربخانه‌های متعدد آورده است. در پایان نیز نقشه موقعیت مکانی ضربخانه‌هایی که از آن شاه سکه یافت شده، ترسیم شده است. این تقسیم‌بندی دقیق و آشکار توأم با دقت، منجر به درک عمیق‌تر و بهتر از اطلاعات تاریخی، سیاسی، مذهبی و اقتصادی آن دوره می‌شود.

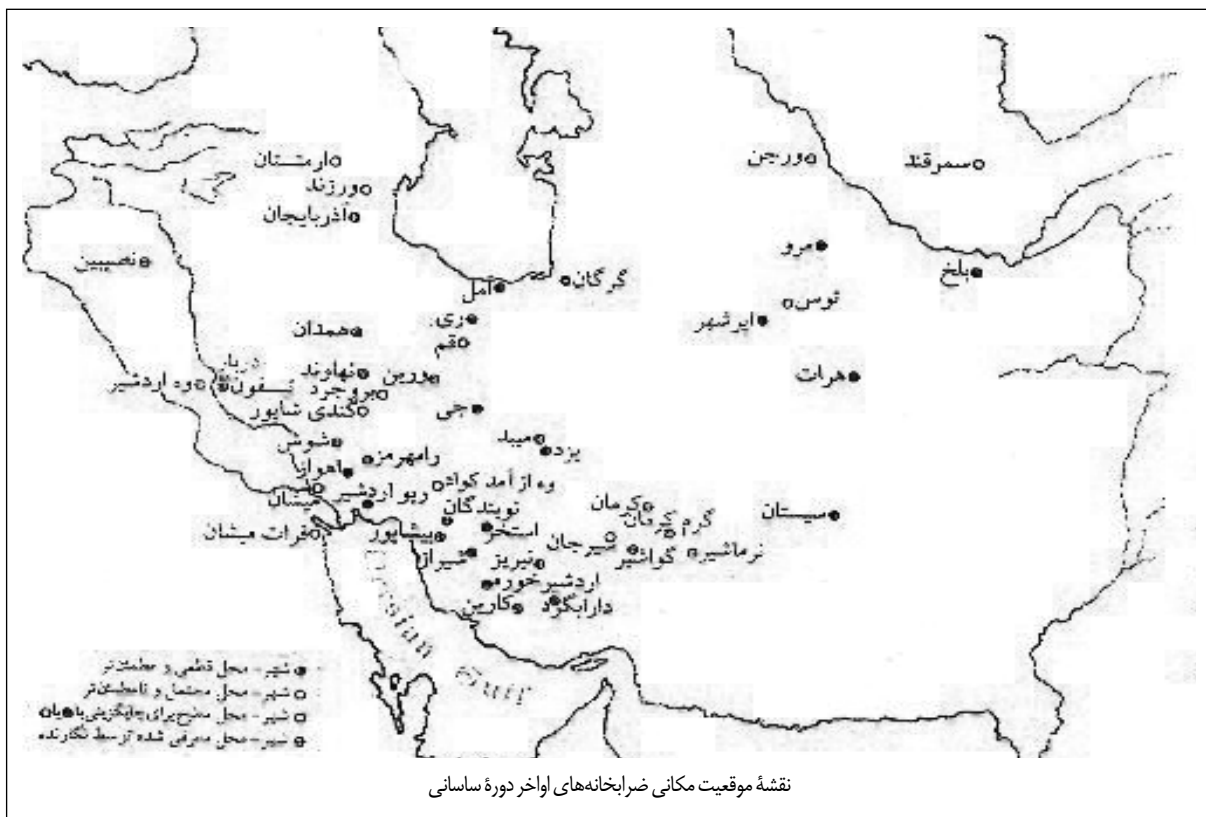
فصل دوم با پادشاهی به نام هرمزد شروع شده که در فاصله سال‌های ۶۰۰ تا ۶۰۱ از وی سکه ضرب شده است (صص ۵۲-۵۶). در منابع تاریخی در این فاصله زمانی از پادشاهی به نام هرمزد ذکری به میان نیامده است، اما نویسنده با استفاده از سکه‌های این شخص و تطبیق دادن آن‌ها با قرائن تاریخی، بر آن است که وی با عنوان شاه سکه زده و به‌عنوان هرمزد پنجم از وی یاد کرده است. دومین پادشاهی که خصوصیات دوران حکومتی او بررسی شده، قباد دوم (۶۲۸) نام دارد. درباره برگرداندن صلیب مقدس مسیحیان به روم که در زمان خسرو پرویز به ایران آورده بودند، اختلاف نظر وجود دارد. به نظر نویسنده این صلیب در زمان قباد دوم به موجب معاهده صلح با رومیان به آنان پس داده شد (ص ۶۶). بیشتر منابع تاریخی، باز پس دادن صلیب مقدس رومیان را مربوط به دوره پوران دخت می‌دانند. پس از آن سکه‌های اردشیر سوم (۶۳۰ - ۶۲۸) بررسی شده است. نویسنده در مورد حمله شهربراز به تیسفون و مرگ مشکوک اردشیر سوم نیز اطلاعاتی داده است. در منابع تاریخی از شهربراز به‌عنوان یکی از مدعیان پادشاهی یاد شده است که به دلیل عدم برخورداری از دودمان شاهی نابود شد. نویسنده درباره اینکه از شهربراز سکه‌ای یافت شده باشد، اشاره‌ای ندارد. وی بعد از اردشیر سوم به توصیف دوران پوران دخت (۶۳۱ - ۶۳۰) پرداخته است.

نام ضرباخانه‌ها به دلیل کمبود جا به جز مواردی خاص، مانند بلخ، ری، جی و غیره با علائم اختصاری درج شده است. به دلیل مشکلاتی که در خواندن حروف پهلوی وجود دارد و اینکه حروف اول یا علائم اختصاری بعضی از شهرها شبیه به هم است، تعیین دقیق محل ضرب هر سکه بر اساس این علائم کار دشواری است

مردانه دارد که نویسنده در این مورد نیز مسائلی را مطرح کرده است. پس از آن سکه‌های خسرو چهارم (۶۳۳) را مورد بررسی قرار داده است.

امینی در پایان این فصل به طور مفصل تری به توضیح حوادث مربوط به دوران یزدگرد سوم (۶۵۲ - ۶۳۳) بر مبنای سکه‌های یافت‌شده از وی، پرداخته است. وی با دقت در محل ضرباخانه سکه‌های یزدگرد و سال ضرب آن سکه‌ها، محدوده اولیه قدرت‌گیری یزدگرد، جریان شکست او از اعراب مسلمان و مسیر عقب‌نشینی‌اش را در برابر اعراب نسبت به منابع تاریخی واضح‌تر بیان نموده است. همچنین مطالبی را دربارهٔ چگونگی ضرب سکه‌ها با تمثال یزدگرد سوم در زمان تسلط اعراب بر ایران ذکر کرده است. سال‌شمار هر یک از پادشاهان ساسانی در این نوشتار بر

در بررسی‌های مربوط به دورهٔ پوران‌دخت و شاه بعد از او یعنی خسرو سوم (۶۳۲ - ۶۳۱) نویسنده به زعم خودش به یافته‌های جدیدتری دست یافته و بسیاری از خلأها و شباهت تاریخی مربوط به دورهٔ آنان را از روی سال و محل ضرب سکه‌هایشان برطرف کرده است. در منابع تاریخی، در این فاصلهٔ زمانی از افرادی به نام گشتاسپ و پیروز دوم به‌عنوان شاه یا مدعی شاهنشاهی یاد شده، اما سکه‌ای از آنان به دست نیامده است. با بررسی سکه‌های فرخ‌هرمز فرماندهٔ سپاه ممالک شرقی ساسانی و آوزمیدخت (۶۳۳ - ۶۳۲) (جریان خواستگاری فرخ‌هرمز از آوزمیدخت نیز در منابع آمده است)، نویسنده احتمالاتی را مطرح کرده است که با بررسی و مقایسهٔ دقیق‌تر آن‌ها با مطالب و قرائن تاریخی، امکان برطرف شدن برخی شباهت وجود دارد. آوزمیدخت در سکه‌ها چهره‌ای



## نویسنده با دقت در محل ضربخانه سکه‌های یزدگرد و سال ضرب آن سکه‌ها، محدوده اولیه قدرت‌گیری یزدگرد، جریان شکست او از اعراب مسلمان و مسیر عقب‌نشینی‌اش را در برابر اعراب نسبت به منابع تاریخی واضح‌تر بیان نموده است

اساس سال‌شمار نویسنده تعیین شده است. درباره تعداد شاهان، مدعیان پادشاهی، مدت زمان و محدوده مکانی پادشاهی آنان در فاصله مرگ خسرو پرویز و جلوس یزدگرد سوم تناقضات زیادی در منابع تاریخی مشاهده می‌شود. این آشفتگی به حدی است که حتی محقق، مانند تورج دریایی که با تکیه بر اشیاء مادی، مانند سکه‌ها و مهرها و مقایسه آن‌ها با منابع تاریخی به تحقیق در این زمینه پرداخته، نتوانسته است گزارش‌های دقیقی از این فاصله زمانی ارائه نماید. به نظر می‌رسد نویسنده با تکیه بر داده‌ها و اطلاعات استخراج‌شده از سکه‌ها و پژوهش‌هایی که دیگران قبل از وی درباره سکه‌های این دوره انجام داده‌اند، تعداد شاهان و سال‌شمار حکومتی آن‌ها را تعیین کرده است، اما ظاهراً وی در این‌باره مقایسه‌های دقیق با منابع تاریخی متعدد انجام نداده است.

در ابتدای فصل سوم گزارش مختصری از چگونگی پایان کار ساسانیان، مقاومت‌ها و شورش‌های مردمی در آن دوره آمده است. نویسنده اشاراتی به سکه‌های مسین این دوره دارد که با نام حکام محلی ضرب شده است. به دلیل عدم درج سال ضرب سکه و ذکر واژه‌های عربی بر روی برخی سکه‌ها پس از سقوط ساسانیان، ابهاماتی وجود دارد. به طور دقیق مشخص نشده است که اعراب مسلمان در استفاده از سکه‌های ساسانی از چه زمانی و با چه کیفیتی مرزبندی را شروع کردند. نویسنده با معرفی سکه‌های فرخزاد مقدماتی را برای بر طرف کردن این ابهامات آغاز کرده است.

در ابتدای فصل سوم گزارش مختصری از چگونگی پایان کار ساسانیان، مقاومت‌ها و شورش‌های مردمی در آن دوره آمده است. نویسنده اشاراتی به سکه‌های مسین این دوره دارد که با نام حکام محلی ضرب شده است. به دلیل عدم درج سال ضرب سکه و ذکر واژه‌های عربی بر روی برخی سکه‌ها پس از سقوط ساسانیان، ابهاماتی وجود دارد. به طور دقیق مشخص نشده است که اعراب مسلمان در استفاده از سکه‌های ساسانی از چه زمانی و با چه کیفیتی مرزبندی را شروع کردند. نویسنده با معرفی سکه‌های فرخزاد مقدماتی را برای بر طرف کردن این ابهامات آغاز کرده است.

نقد و نظر  
شناسایی دقیق و جزئی سکه‌ها در طرح، نوشته‌ها، القاب و همه نشانه‌هایی که بر روی سکه‌ها وجود دارد، اعم از تاج، بال‌های کنگره‌ها، گوی یا فره، زیورات، آرایش‌ها، هلال ماه، ستاره، نگهبانان آتش در پشت سکه و غیره قابل ستایش است. نویسنده علاوه بر اینکه مشخصات سکه‌ها را بیان نموده، به تغییراتی که در طول دوران یک شاه یا در دوران شاهان متعدد ایجاد شده است، اشاره دارد. وی اقتباساتی را که هر یک از شاهان بعدی از سکه‌های شاهان قبلی داشته‌اند، تشخیص داده و بیان نموده است. این امر می‌تواند به تشخیص دقیق‌تر و جزئی‌تر رویدادها در زمینه ایدئولوژی، سیاست و اقتصاد آن دوره کمک کند. وی همچنین یک نمونه از تصویر کامل هر یک از سکه‌هایی را که بررسی کرده، با

کیفیتی مطلوب در کتابش آورده است. حتی در طراحی جلد کتاب نیز چند مورد از سکه‌ها نمایش داده شده است. نویسنده با تکیه بر محتویات سکه‌ها، سال‌شمار دقیق‌تر و واضح‌تری از شاهان و رویدادهای پس از مرگ خسرو پرویز تا جلوس یزدگرد سوم ارائه داده است. همچنین با بررسی سکه‌های بعد از سقوط ساسانیان و معرفی سکه‌های فرخزاد، شرایط را برای گشوده شدن بخشی از زوایای تاریک آن محدوده زمانی تا حدودی فراهم نموده است. وی تا حد توان جزئیات و تغییرات سکه‌ها را با اطلاعات تاریخی باقی‌مانده از آن دوران مقایسه کرده و در صورت اختلاف به تحلیل این داده‌ها پرداخته است. البته همان‌طور که گفته شد در این مقایسه به همه منابع تاریخی، به خصوص منابع اصلی نظر نداشته است.

آوردن جداول، نقشه‌ها و نمودارها حسن کار را بیشتر کرده است. شناخت علائم اختصاری ضربخانه‌ها که نویسنده تا حد امکان به آن دست یافته است، از دیگر موارد ستودنی در این کتاب است. چنان‌که گفته شد، تشخیص این علائم دشواری‌های خاص خودش را دارد. نویسنده به زعم خودش در پیوند دادن اطلاعاتی که از سکه‌ها اقتباس کرده با حوادث سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تاریخی بازه زمانی مورد نظر، حق مطلب را ادا کرده است، لیکن نارسایی‌های در این‌باره وجود دارد که از چشم یک مورخ پوشیده نیست. در مجموع معرفی سکه‌های این دوره، به منزله یک منبع دست‌اول برای تاریخ‌پژوهان این دوره به حساب می‌آید، تا با مقایسه مندرجات شناسایی‌شده این سکه‌ها و اطلاعات تاریخی به صورت اصولی و روش‌مند به شناخت دقیق‌تری از رویدادهای آن زمان نائل آیند. نویسنده در پیشگفتار از خوانندگان و استفاده‌کنندگان این کتاب استدعا کرده است که برای کیفیت بهتر این اثر از نقد و نظر دریغ نورزند. بر این مبنا در کنار معرفی این کتاب و شمردن نکات قوت آن مواردی وجود دارد که توجه به آن‌ها موجب تقویت این اثر خواهد شد. از آنجایی که این کتاب برای اهل علم و تحقیق نوشته شده است، بهتر بود در ساختار علمی آن دقت بیشتری رعایت می‌شد. شایسته بود نویسنده در مقدمه یا پیشگفتار پیشینه تحقیق را مشخص و هدف، ضرورت و روش کار را دقیق‌تر و واضح‌تر بیان می‌کرد. وی به پیشینه تحقیق و آثاری که درباره سکه‌های ساسانی توسط دیگران و خودش قبل از این کتاب، نوشته شده، اشاره‌ای نکرده

است. علاوه بر پژوهش‌های تاریخی دربارهٔ اواخر دوره ساسانی، آثار متعددی نیز در داخل و خارج کشور راجع به سکه‌های ساسانی قبل از تألیف این کتاب نگاشته شده است.<sup>۲</sup> همچنین به تازگی دربارهٔ سقوط ساسانیان با تکیه بر منابع مادی، مانند سکه‌ها، مهرها و ... مقایسهٔ دقیق و اصولی آن‌ها با منابع تاریخی، پژوهش‌هایی صورت گرفته که آشکارترین نمونهٔ آن، کتاب **سقوط ساسانیان از توج دریا** است. اگر نویسنده پیشینهٔ تحقیق را مد نظر قرار می‌داد و به یافته‌های محققان قبل از خودش دربارهٔ سکه‌های ساسانی اشاره می‌کرد، آنگاه ضرورت نوشتن این کتاب و یافته‌های جدیدش کاملاً مشخص می‌شد. علاوه بر این، چنانچه حاصل کار تحقیقش را در پایان کتاب تحت عنوان نتیجهٔ کار به صورت خلاصه و فشرده می‌آورد، به کیفیت این اثر افزوده می‌شد. این بدان معنی نیست که وی به نتایج تازه‌ای دست نیافته، بلکه انصافاً به نتایج خوبی رسیده، اما خلاصهٔ نتایج تازه‌اش را در پایان کتاب نیاورده است.

**امینی** در پیشگفتار هدف از نگاشتن کتاب را چنین عنوان کرده است: «با بهره‌گیری از سکه‌ها که معتبرترین مدارک برجای مانده از آن دوران هستند، خلأ موجود در منابع نوشتاری جبران شود و به راستایی آزمایی اندک منابع باقی‌مانده که بیشتر توسط غیر ایرانیان و اعراب نوشته شده، بپردازد.» (ص ۷). در مورد پر کردن خلأ تاریخی مواردی در متن کتاب مشاهده می‌شود، اما دربارهٔ به راستایی آزمایی منابع تاریخی به جزء یکی دو مورد اشارهٔ کلی، هیچ‌یک از روایات تاریخی آن دوران به بوتۀ نقد کشیده نشده و این با هدفی که نویسنده در ابتدای کتاب در صدد انجام آن بوده است، تعارض دارد. نویسنده روش کار یا تحقیق خود را به درستی مشخص نکرده است. وی دربارهٔ روش تحقیق خودش چنین گفته است: «شیوهٔ پژوهش من در این کتاب آن است که با بهره‌گیری از داده‌های سکه‌شناختی و پیوند آن‌ها با تاریخ به نتایج تازه‌ای دست یابم» (ص ۷). این جمله نمی‌تواند به معنای روش تحقیق در نظر گرفته شود، بلکه بیان‌کنندهٔ هدف تحقیق است. بهتر بود، روش تحقیق به‌کاررفته در این اثر و حتی مقدمات و مشکلات این تحقیق را مشخص می‌کرد. چنانچه مطرح می‌کرد که چطور، چگونه و در کدام محل به سکه‌های مورد نظر دسترسی پیدا کرده است، بر غنای کار افزوده می‌شد. اگر معلوم می‌کرد که سکه‌های معرفی‌شده مربوط به موزهٔ شخصی یا دولتی خاصی یا یافتهٔ خودش بوده‌اند، دقت و ارزش علمی کار بهتر نمایان می‌شد، حتی درجهٔ اعتماد خواننده به مندرجات سکه‌ها و اصل سکه‌ها بیشتر می‌شد و ترتیب و روش‌مندی کار برای خواننده بهتر درک می‌شد. علاوه بر این در متون علمی به جای ضمایر و افعال اول شخص از ضمایر و افعال سوم شخص استفاده می‌شود.

عدم استفاده از منابع تاریخی دست‌اول که با مندرجات سکه‌ها شباهت موضوعی بیشتری دارند، مانند *آثارالباقیه، مروج الذهب، التاج الملوک* و غیره از غنای کار کاسته است. حتی انتظار می‌رفت که نویسنده از منابع دست‌دوم که دربارهٔ فرهنگ و هنر ساسانی نوشته شده‌اند، استفاده بیشتری بکند. وی به منابع مورد استفادهٔ خود نیز به روش علمی در داخل متن ارجاع نداده است. در بسیاری از موارد برای نقل خبر و داده، به منابع دست‌دوم ارجاع داده است، مثلاً **مطلب** مربوط به ملاقات هیئت اعزامی اعراب مسلمان در دربار

**یزدگرد سوم** را از تاریخ شاهنشاهی ساسانی نوشتهٔ **کلاوس شیبمان** نقل کرده است. در واقع ارجاع این مطلب به این اثر با چندین واسطه و ترجمه انجام گرفته است، در حالی که بهتر بود به منبع اصلی خبر، یعنی تاریخ طبری مراجعه می‌نمود. نمونه‌های این‌چنینی در ارجاع و نقل خبر در موارد دیگری از این کتاب نیز مشاهده می‌شود. در بعضی موارد به ویژه در فصل سوم در بحث مربوط به پایان کار ساسانیان، چندین صفحه نقل مطلب و خبر دارد، بدون اینکه نویسنده به هیچ منبعی ارجاع داده باشد.

نویسنده دربارهٔ خواندن واژه‌های پهلوی عنوان نکرده است که از فرهنگ‌های پهلوی استفاده کرده، اگر هم استفاده کرده، ارجاع نداده است. در ارجاعات پایانی کتاب فقط عنوان مقالات لاتین و نام نویسندهٔ آن‌ها را ذکر کرده و به مشخصات دیگر، مانند سال چاپ، مکان چاپ، و مجله‌ای که در آن چاپ شده، اشاره‌ای نداشته است. چنانچه در این کتاب فهرست اعلام تعریف و گنجانده می‌شد، کار خوانندگان و استفاده‌کنندگان را برای جستجوی موضوعی راحت‌تر می‌کرد. موضع‌گیری و پیش‌داوری نسبت به یک تفکر یا جریان تاریخی از ارزش علمی یک اثر می‌کاهد. با این حال اندک موضع‌گیری‌ها و پیش‌داوری‌هایی در این اثر مشاهده می‌شود.

#### پی نوشت

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه فردوسی، نشانی الکترونیکی: [abdolhsafarzaie@gmail.com](mailto:abdolhsafarzaie@gmail.com)
- ۲- چند نمونه از آثاری که دربارهٔ سکه‌های ساسانی نوشته شده‌اند، عبارت‌اند از:  
 آورزمانی، فریدون (۱۳۶۸). «بررسی سکه‌های ساسانی»، فروهر، سال ۲، شماره ۳۱۳.  
 دریایی، توج (۱۳۸۳). *سقوط ساسانیان*، ترجمهٔ منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی حسینکلو، تهران: نشر تاریخ ایران.  
 سرفراز، علی‌اکبر و فریدون آورزمانی (۱۳۷۵). *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زنده، چاپ پنجم تهران: سمت.*  
 شریعت‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۹۰). *سکه‌های ایران زمین*، تهران: پازینه.  
 شمس اشراق، عبدالرزاق (۱۳۶۹). *نخستین سکه‌های امپراتوری اسلام*، اصفهان: دفتر خدمات فرهنگی استاک.  
 مشیری، ملک ایرج (۱۳۸۹). *عرب - ساسانی سکه‌های دورهٔ جنگ داخلی*، ترجمهٔ مهدیه دستمالچی، تهران: پازینه.  
 Gaube, Heins (1973). *Arabo Sasanidisch Numismatik, klinkhardt & Biermann*, Braunschweig  
 Gyselen, Rika (2009). *Arab-Sasanian copper coinage*, wien.  
 Sarkhosh, Vesta and ed (2012). "A sylloge of the sasanian coins in the national Museum of Iran", volume II (khusrauII yazdgerdIII), London: British Institute of persian studies.  
 Sellwood, David (1985). *An Introduction of Sasani-an coins*, London: Spink.